

علی سوزنچی کاشانی
دانشجوی دکتری تاریخ اسلام دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران
alisuzanchi@gmail.com
دکتر رضا شعبانی
استاد گروه تاریخ دانشگاه شهید بهشتی تهران

تأثیر سیاست‌های وقفی نادر شاه و علیشاه افشار بر کاهش یا رشد موقوفات آستان قدس رضوی

چکیده

با توجه به این که قوام و پایه اصلی شکل‌گیری تشکیلات اداری آستان قدس مبتنی بر موقوفات وقف شده بر حرم رضوی بوده است؛ ضبط موقوفات و یا به عبارتی ضبط درآمدهای حاصل از آن توسط نادر شاه افشار، تأثیراتی را بر این مجموعه به همراه داشت.

این تأثیرات در حوزه مالی، اداری آستان قدس به صورت خاص و در حوزه کاهش واقفان در جامعه وقت ایران و عدم رغبت آنها به اختصاص دادن اموال و املاک خود برای موقوفات مختلف به صورت عام قابل بررسی می‌باشد. این امور باعث شد که نهاد وقف که یک امر مردمی محسوب می‌شد، به یک نهاد دولتی با هدف کسب درآمد برای تأمین هزینه‌های نظامی حکومت مرکزی تبدیل شد و توجه به نیات واقفین از بین رفت.

با روی کار آمدن علیشاه افشار وی سعی نمود نهاد موقوفات را به سبک و سیاق دوره صفویه بازگرداند و برای این کار خود پیشگام شد.

در این مقاله سعی شده است با استناد به منابع و اسناد تاریخی موجود و با شیوه تحقیقات تاریخی به بررسی نهاد وقف در دوره نادر شاه و جانشینان او پرداخته شود و تأثیرات سیاست‌های وقفی نادر و علیشاه افشار بر کاهش و یا رشد موقوفات آستان قدس در طی دوره حکومت خاندان افشا در ایران مورد تحلیل قرار گیرد.

کلید واژه‌ها: آستان قدس، موقوفات، نادر شاه، خاندان افشاریه، پایگاه اجتماعی واقفان

مقدمه

بی تردید یکی از بحث برانگیزترین کارهای انجام شده توسط حکومت‌های تشکیل شده بعد از اسلام در ایران، بحث ضبط موقوفات برای دیوان توسط نادر شاه افشار بود. این اقدام باعث شد که نادر شاه افشار درآمدهای اوقاف را برای هزینه‌های نظامی گزافش خرج نماید، اما بدون شک این اقدام یکی از بی تدبیری‌های او بود. زیرا باعث گردید روحانیون کینه او را در دل گرفتند و قلوب مردم را از وی منزجر ساختند و پایگاه مردمی نادر به تدریج در بین توده کم رنگ شد. از طرفی دیگر اعتماد واقفین از بین رفت و جرأت انجام وقف املاک و اموال خود را نداشتند زیرا می‌دانستند آنگونه که آنها می‌خواهند عمل به نیت واقفین نخواهد شد. بنابراین موقوفات که همیشه در طول تاریخ موجب کاهش هزینه دولت‌ها در امور مذهبی، اجتماعی و آموزشی بوده است، رو به ویرانی نهاد و حکومت مرکزی در عمل باید یا خود در امور نگهداری مدارس، پرداخت هزینه‌های تحصیلی اهل علم، حفظ و مرمت مساجد و زیارتگاه‌های مقدس و تأمین آرامش و رفاه دائمی جماعت‌های کوچک و بزرگ انسانی و امثال آنها که مورد اشاره واقفان بوده است، هزینه می‌کرد و یا اینکه به این مسایل مهم در جامعه بی توجه باشد که این امر نارضایتی مردمی را در پی داشت. البته ذکر این نکته اساسی و مهم است که نادر شاه در ابتدای امر اصلاحات اساسی در آستان قدس به وجود آورد و باعث کاهش بسیاری از هزینه‌های غیر ضروری و ریخت و پاش‌های زاید گشت. چنانکه وی درآمدهای حاصل از این اقدامات را به جای هزینه کردن در امور نظامی، که شاید نیاز روز جامعه بود صرف امور زیربنایی وقف می‌کرد بی شک اکنون به عنوان یکی از بزرگترین خادمان وقف در تاریخ ایران شناخته می‌شد.

سیاست وقفی نادر بزرگترین تأثیرش را بر نهاد آستان قدس رضوی که کانون اساسی و عام امور وقفی و متولیان آن در ایران بود گذاشت و مشکلاتی را برای اداره کردن آنجا به وجود آورد و از یک سازمان بزرگ عام المنفعه که استقلال نسبی خود را داشت به یک نهاد کوچک که باید تمام امور مالی و اداری آن زیر مجموعه حکومت اداره می‌شد، تبدیل گشت. این اقدام باعث شد بزرگترین پایگاه مذهبی شیعیان در ایران تضعیف شده و از رونق و اعتبار و شکوهی که در دوره صفویه برخوردار بود کاسته گردد.

پس از نادر، علی‌شاه بلافاصله فرمانی دایر بر لغو دستورهای نادری صادر کرد و مقرر داشت که متولیان و مالکان به ترتیب گذشته‌ها، املاک وقف و مستغلات خود را در اختیار بگیرند، شاید هم به همین دلیل و کارهای دیگری که به تدبیر خویش برای جبران مظالمی که در عهد سلف وی بر مردم رفته بود، وی را عادلشاه افشار نامیدند.

در این مقاله آنچه برای ما مهم است بررسی سیاست‌های وقفی این دو شاه افشاری در کاهش و یا رونق موقوفات آستان قدس رضوی در این دوره می‌باشد و به بررسی تأثیر این سیاست‌ها در تشکیلات اداری و مالی آستان قدس می‌پردازیم و تلاش ما برای پاسخ دادن به این سؤالات می‌باشد. آیا موقوفات آستان قدس در دوره صفویه دارای استقلال کامل اداری و مالی بودند؟ آیا اگر اصلاحات نادر در آستان قدس صرف توسعه نهاد وقف می‌گردید باز هم با چنین مخالفت‌هایی مواجه می‌شد؟ آیا سیاست‌های وقفی برادرزاده نادر علی‌شاه افشار در جلب اعتماد واقفان در جامعه مؤثر واقع شد؟ دلایل ماندگاری اصلاحات وقفی علی‌شاه افشار تا سال‌ها بعد از او در تشکیلات اداری و مالی آستان قدس رضوی چه بود؟ بررسی پایگاه اجتماعی واقفان در این دوره و تأثیر آن در رشد موقوفات آستان قدس رضوی چه بود؟

در این مقاله سعی خواهد شد بر اساس اسناد موجود در مرکز اسناد آستان قدس رضوی و منابع و مأخذ موجود، پاسخی منطقی برای سؤالات فوق ارائه شود.

تشکیلات موقوفات آستان قدس در دوره نادر شاه

نخستین تأثیری که ضبط این موقوفات توسط نادر شاه بر تشکیلات اداری آستان قدس از خود به جای گذاشت دخالت و نفوذ هرچه بیشتر حکومت افشاریه بر امور تشکیلاتی آن و به دیگر سخن تحت نظارت بیشتر درآوردن آستان قدس به وسیله حکومت مرکزی می‌باشد.

از دوره صفویان که تشکیلات اداری آستان قدس شکل می‌گیرد اگرچه شاه صفوی تولید اصلی این مجموعه را بر عهده داشته ولی به دلایل مختلف نظیر بعد مسافت و درگیری‌های حکومتی و سیاسی و... از سوی خود شخصی را به عنوان متولی برای رسیدگی به امور این آستان تعیین می‌کرده است و در حقیقت خود به شکل غیرمستقیم بر این مجموعه نظارت می‌نموده است. این متولیان عمدتاً دارای قدرت و نفوذ فوق‌العاده‌ای بودند به نحوی که حتی به دستور شاه گماشتگان

صدور نیز از دخالت در امور آنها منع گردیده بودند.^۱ اما در دوره افشاریه با انتقال مرکزیت سیاسی به مشهد زمینه برای نفوذ و دخالت بیشتر حکومت بر این مجموعه فراهم آمد. قابل ذکر است که در دوره صفویه حتی به یک مورد (به جز صدور احکام خدام، فراشان و...) برنمی‌خوریم که دولت مرکزی برای متولی و تشکیلات اداری آستان قدس تصمیم گرفته باشد؛ اما در دوره افشاریه ارقام و احکامی وجود دارد که در آن در مورد نحوه اداره این مجموعه، چگونگی همکاری با سایر عوامل حکومت و ... برای متولی خط مشی تعیین می‌نموده است. اسناد باقیمانده نشان می‌دهد که قدرت متولی از یک قدرت فائقه در دوران صفویه به قدرتی هم‌ردیف سایر عوامل حکومتی دوره افشاریه مبدل شده است. حذف درآمدهای این مجموعه که تمام آن به وسیله موقوفات تأمین می‌گشت نیز مزید بر علت گردیده بود. از این زمان به بعد است که تشکیلات اداری آستان قدس برای تأمین کلیه هزینه‌های خود، اعم از پرداخت حقوق و دستمزد کارکنان و نیز سایر هزینه‌های متفرقه نظیر تعمیر، ساخت و ساز، خرید لوازم و... نیازمند پرداخت مبالغ تعیین شده آن از سوی «سرکار خاصه شریفه» می‌باشد. بنا به اشاره صریح اسناد، تنها هزینه‌هایی تأمین می‌گردید که به تأیید عمال دیوان اعلی می‌رسید. این جریان از ذیحجه سال 1149 در اسناد دیده می‌شود.

«مبلغ 1249 تومان و 5500 دینار جهت اخراجات شش ماهه اول ئیلان ئیل کارخانجات و غیره مستمریات و مواجب سرکشیکان و خدام و باقی منسوبان سرکار آستان عرش نشان، موافق طومار نسق جدید که حسب الرقم اقدس مقرر شده که از سرکار دیوان بازیافت و به مصارف متعدده سرکار مذکور رساند.»^۲

متولی و ناظر موظف بودند تمام نیازهای مالی مجموعه را اعم از جنسی و نقدی به صورت مکتوب به وزیر ارض اقدس (مشهد) داده تا پس از تأیید که عمدتاً می‌بایست موافق طومار تنظیم شده بر اساس «رقم مبارک اقدس» نیز باشد؛ مبلغ آن به وسیله مستوفیان دیوان اعلی در عوض رسید به صورت شش ماهه به متولی تحویل داده می‌شد.^۳

این مسئله در مورد مسجد جامع گوهرشاد به عنوان بخشی از تشکیلات اداری آستان قدس نیز مصداق دارد. به نحوی که حقوق و دستمزد کارکنان این مسجد که خود دارای موقوفاتی بود مطابق طومار قرارداد از دیوان اعلی دریافت و به آنها پرداخت می‌شد.^۴

از اسناد مربوط به این دوره چنین برمی‌آید که در فاصله زمانی موردنظر، تنها درآمد داخلی آستان قدس نذورات اهدایی به این آستان بوده است که مصروف هزینه‌های این مجموعه می‌گردید و البته آن نیز می‌بایست تحت نظارت عوامل حکومت انجام می‌گرفت. مجموعه این اسناد نشان از نظارت و کنترل شدید حکومت افشاریه بر تشکیلات اداری آستان قدس دارد به نحوی که حتی نادر در رقمی به سال 1151 هـ ق (که احتمالاً قبل از حرکت برای حمله به هند بوده است) به منظور نظارت هرچه بیشتر بر این مجموعه دستور می‌دهد که متولی باید از این پس «سررشته جمع و خرج آن سرکار را به فرزند ارجمند کامکار عالی‌مقدار رضاقلی میرزا، نایب السلطنه مملکت ایران خاطر نشان [سازد]». ^۵ در همین سال نیز مطابق رقمی دیگر نادر پس از تعیین فردی به عنوان صاحب‌جمع شماعی‌خانه سرکار فیض‌آثار، وی را به عنوان «معمد سرکار دیوان اعلی» در تشکیلات اداری آستان قدس منصوب می‌کند. هدف از این کار نظارت بر سررشتجات و اطلاع‌بر «کمیت بازیافت تحویل و خرید اجناس و اخراجات [است] که در حویج خانه سرکار و تعمیر آستانه مقدسه و مسجد جامع و فرش حرم محترم واقع می‌شود و آنچه بهای حاصل ضریح مقدس، عالیجاه متولی برآورد جمع می‌نماید، دانسته چنانچه ملاحظه نماید که وجوه ابواب‌جمعی ایشان تغییر و تفاوتی دارد چگونگی را عرضه داشت درگاه معلی نماید.» منصوب می‌کند. ^۶

لزوم انجام کلیه امور آستانه تحت نظارت مستقیم حکومت باعث بر هم خوردن نظم نسبی موجود بر تشکیلات اداری این مجموعه گردید؛ امری که در طومار علیشاهی نیز به صراحت به آن اشاره شده است. ^۷ قدر مسلم حذف برخی از درآمدها سبب آشفتگی‌هایی در این تشکیلات گردیده بود ولی آنچه نباید از یاد برد این است که طومار علیشاهی پس از قتل نادر و روی کار آمدن شاه جدید نگاشته شد و به همین جهت بزرگ‌نمایی در مورد خدمات علیشاه و ذکر نقصان‌های دوره قبل، دور از ذهن نیست. ^۸

حذف برخی مشاغل و در نتیجه کوچک شدن تشکیلات اداری آستان قدس یکی دیگر از نتایج سیاست وقفی نادر شاه بر این مجموعه بود. در راستای کاهش هرچه بیشتر هزینه‌های جاری آستانه، خدمت‌خادمان، دربانان، فراشان، مؤذنان و کفشبانان حرم رضوی که به صورت پنج‌کشیک بوده‌اند، به سه‌کشیک کاهش پیدا کرد. در حالی که اسناد تا سال 1147 گویای وجود پنج‌کشیک است ولی در سال 1148 این تعداد تنها شامل سه‌کشیک می‌شود، که در نتیجه تعداد کارکنان و

حقوقی که دریافت می‌کردند نیز کاسته شد. به علاوه از آنجا که تا پیش از این برای هر یک از صاحبان مشاغل، بخشی از موقوفات به عنوان منبع تأمین مواجب آنها به صورت مشخص ذکر می‌گردید با حذف این منابع در دوره مورد نظر، برخی از شغل‌ها خودبه‌خود و به طور عمده به خاطر اولویت‌بندی صورت گرفته حذف شدند. از جمله این مشاغل شغل صاحب توجیه و یا محرر دفتر توجیه است که مطابق اشاره صریح سندی در ایام حکومت نادر به دلیل ضبط موقوفات این شغل به خاطر نبود منبعی برای پرداخت حقوق، حذف شده بود.^۹

از مجموعه این موارد چنین به نظر می‌رسد که حکومت مرکزی خود را چندان ملزم به تأمین تمام هزینه‌های مورد نیاز این مجموعه نمی‌دید و هدفش را کاهش هرچه بیشتر هزینه‌های آن قرار داده بود تا به این ترتیب میزان درآمدهای خود را افزایش دهد. اما در عین حال هر جا لازم می‌دید از دادن هزینه‌های ضروری آستان قدس رضوی مضایقه نداشت. نمونه بارز آن موافقت با انجام نقاشی‌های داخل حرم مطهر و گنبد بود که در فصل معماری حرم مطهر به آن اشاره گردید و یا هزینه پانصد و پنجاه و سه تومان که میرزا محمد رضای متولی در سال 1150 ق. پیشنهاد داد و نادر با قراردادن چند نفر ناظر و سرکشیکان آستان قدس بر نحوه مخارج مزبور، موافقت می‌کند که این کار انجام شود.^{۱۰} (تصویر شماره چهار)

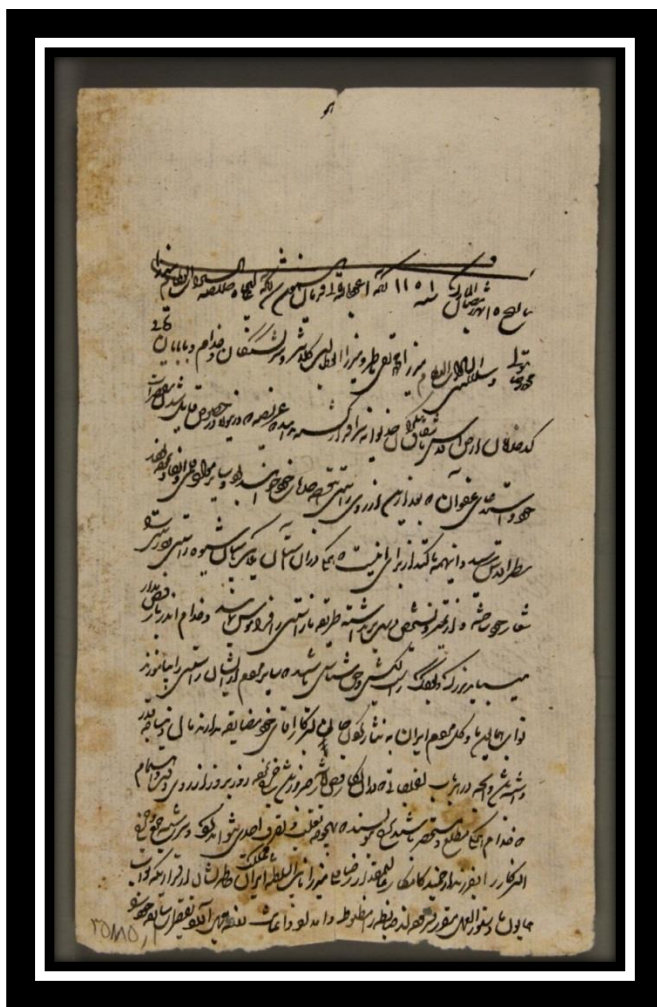
در مجموع اسناد باقی مانده از تشکیلات اداری آستان قدس رضوی نشان می‌دهد که موقوفات در این زمان با تحولات زیادی مواجه بود. از نتایج این تغییرات وابستگی مالی آستانه به حکومت مرکزی، کوچک شدن تشکیلات اداری، حذف برخی مشاغل و در نهایت نظارت بسیار جدی و مستقیم حکومت بر آنجا بود. در اینجا لازم به ذکر است که نادر همچون شاهان صفوی، متولی آستان قدس محسوب می‌شد؛ در واقع همان گونه که آنها در امور آستان قدس دخالت می‌کردند، نادر نیز از این اختیار برخوردار بود. تفاوت آن در این بود که صفویان در مشهد حضور نداشتند و بیشتر کارهای آن توسط دیوان صدر انجام می‌شد. در حقیقت شاهان صفوی با اتکاء بر برخی وقف نامه‌ها خود را سرپرست اصلی موقوفات آستانه می‌دانستند. امری که از سال 957 ق. و در زمان شاه طهماسب اول جنبه شرعی به خود گرفت.^{۱۱} متولیان که در این دوره بودند به عنوان نایب شاه به سمت متولی انتخاب می‌شدند و دامنه اختیارات آن‌ها به اجازه پادشاهان صفوی از یک طرف و نظر واقفان از طرفی دیگر محدود می‌شد. حضور برخی صاحب منصبان حکومتی نظر «مستوفی موقوفات

ممالک محروسه» یا صدور احکامی از طرف «صدر ممالک محروسه»^{۱۲} با نام «مثال» به منظور نظارت بر امور موقوفات انجام می‌شد. نمونه‌هایی از دخالت دولت در خرجکرد درآمدهای آستان قدس شاهد هستیم که مربوط به حکومت بوده است. مانند دریافت هزار تومان وجه نقد از آستان قدس یا پرداخت حقوق تفنگچیان^{۱۳} و دادن وظیفه به سادات و مشایخ نمونه‌هایی از دخالت شاهان صفوی بر مصارف موقوفات است. بارزترین نمونه آن به سال 1126 ق که فتحعلیخان ترکمان به مشهد آمد و به جهت تدارک قشون و رفتن به هرات قنادیل و ظروف طلا و نقره سرکار آستانه مقدسه را که پادشاهان و سلاطین ایران و هند و غیره و سایر مردم در عرض سال‌ها به عنوان نذر و وقف روضه مقدسه آورده بودند، سکه زده و به مصرف مخارج لشگر کشی به هرات نمودند. به نوشته میرزا محسن مستوفی مقدار طلای به دست آمده 96 من و 32 استار بود، همچنین مقدار 3 خروار و 35 من نقره از آن به دست آمد و این مورخ که در آن دوران خود شاهد این کارها بوده است همین مسئله را دلیل اصلی انقراض حکومت صفوی می‌داند.^{۱۴} مرعی این واقعه را به سال 1129 ق. و انتصاب صفی قلی خان به عنوان حاکم خراسان می‌داند، وی برای مبارزه با افغان‌ها و تهیه مخارج لشگر کشی خود مقدار زیادی «قنادیل و شمعدان‌ها و عود سوزها و منقل‌های طلا و نقره» حرم مطهر را به بهانه اینکه «جنگ و جهاد است و به مصرف غازیان می‌رسد، و نیز جناب حضرت از این نوع زخارف دنیوی مستغنی اند»^{۱۵} بنابراین جریان دخل و تصرف در امور موقوفات تنها محدود به دوره نادر نیست بلکه در دوره حکومت صفویه، نمونه‌های مشابه زیادی دیده می‌شود. بدون شک نادر شاه از این اتفاقات با خبر بود در زمان رسیدن به حکومت اختیار کامل موقوفات را در دست خود گرفت و منافع حاصل از آن را برای مخارج ضروری خود ضبط کرد.

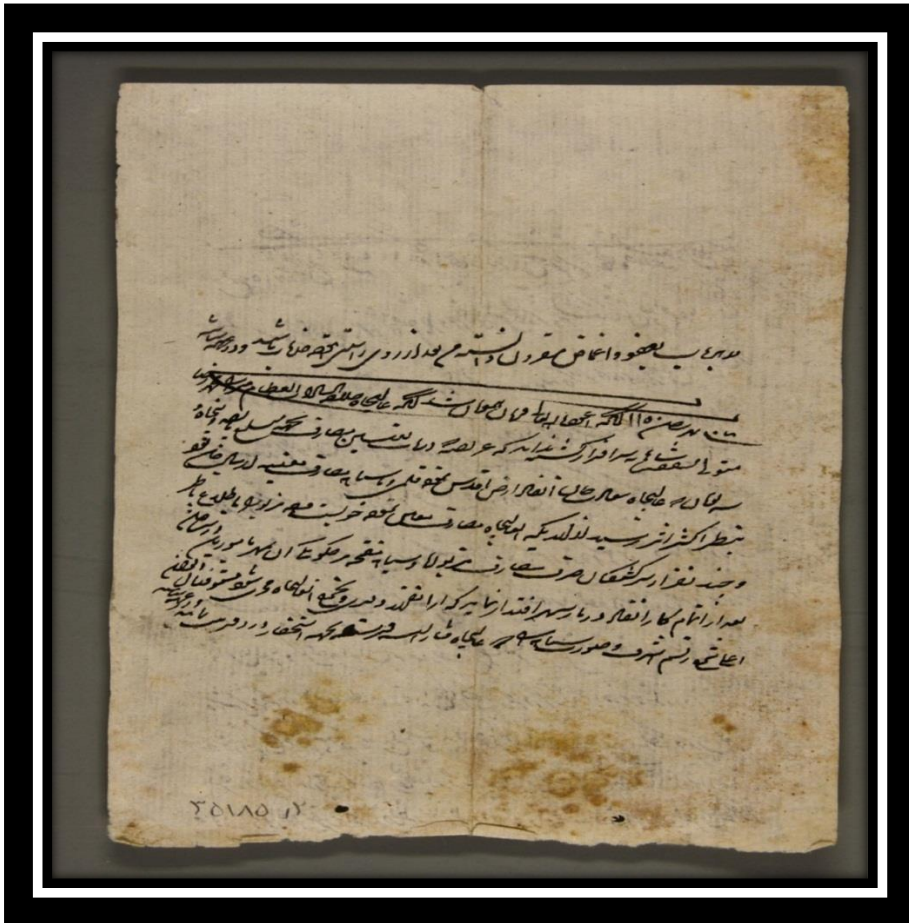
آنچه بدیهی است به شهادت اسناد موجود، می‌توان دریافت که نادر فقط می‌خواست درآمدهای املاک وسیع مانند آستان قدس را در دست بگیرد و در زمان او کماکان، نهاد وقف بر سر پا بود و به انجام عمل می‌پرداخت. دلیل واضح این امر، سواد سندی است که به سال 1150 ق، در نیاک لاریجان تنظیم شده و شخصی به نام میر محمد قاسم، زمینی را بر مزار سید حسن ولی الله که مرشد و مرتاض و محقق بوده، وقف روشنایی و صرف خدمه و تعمیرات مورد نیاز آنجا نموده است.^{۱۶} از این قرار، می‌توان متوجه شد که شمول فرمان نادری آن قدرها نبوده که همه جا را در بر بگیرد و علی‌الاصول مردمی که بنا به ضرورت‌های حیات اجتماعی در تأسیس نهادی سرمایه

گذاری کرده اند و به صورتی قاطع برخی نهمت ها و هدف های خویش را بر آن استوار نهاده اند، از تعقیب نظر باز دارد.^{۱۷}

شخص نادر هم به علت گرفتاری و مشغله فراوان و عدم درآمدهای فراوان از موقوفات جزئی به این قبیل موقوفات محلی و کوچک توجهی نشان نداده است و خود را درگیر آنها نکرد.



سند شماره یک حکم نادر در مورد انجام مخارج آستان قدس با نظارت فرزندش رضا قلی میرزا



تصویر شماره دو موافقت نادر با هزینه کرد مبلغ پانصد و پنجاه و سه تومان از هزینه‌های ضروری آستان قدس و ارسال دقیق آن به دیوان اعلی

بررسی سیاست‌های وقفی علی‌شاه در رشد موقوفات

علی قلی خان پسر بزرگ ابراهیم خان ظهیر الدوله برادر نادر است که هم از ابتدای جهانگیری وی، در رکابش بوده و به حد مقدور، در عرصه‌های مختلف کشاورزی عصر مجاهدت می‌ورزیده است.^۸

پس از آنکه دوره پریشان آخر صفوی و هم عصر حکومت قدرتمندانه نادر شاه افشار نظم و نسق تشکیلات آستانه رضوی مغشوش شده و اغلب ما یملک و موقوفات آن جزء املاک دیوانی یا مخدوش گردیده بود، علی‌شاه افشار بعد از مرگ نادر بلافاصله پس از مرگ نادر و استقرار بر اریکه

سلطنت در شهر مشهد به سال 1160 ق. دستور تنظیم طوماری برای نظم بخشیدن به موقوفات آستان قدس را صادر نمود. وی که به عادل شاه هم مشهور است در زمان سلطنت عمویش نادر، مدتی حاکم شهر مشهد بود. سلطنت او بعد از نادر چندان به طول نکشید و در سال 1161 ق. کور و مبحوس شد و سال بعد در مشهد به قتل رسید.^{۱۹}

هر چه هست که پس از نادر، علیشاه بلافاصله فرمانی دایر بر لغو دستورهای نادر صادر کرد و مقرر داشت که متولیان و مالکان به ترتیب گذشته، املاک وقف و مستغلات خود را در اختیار بگیرند، و شاید هم بهمین سبب و کارهای دیگری که به تدبیر خویش برای جبران مظالمی که در عهد سلف وی بر مردم رفته باشد، که وی را عادلشاه خوانده اند! شهره است که مستوفیان درباری رد حکم نمی توانستند کرد و اما دفا تر مربوط به عصر نادری را نیز نمی توانستند از میان برد، و چون دوره او و جانشینانش در ایران بسیار گذرا و پر حادثه و متزلزل بوده است، می توان اعتقاد داشت که هر کسی می توانسته جنبشی کند و حق از دست رفته خود را باز ستاند، اقدام کرده است، ولی آنها که بدلیل تغییرات سریع و متوالی حکام و به ویژه بازماندگان نادر، فرصت و یا حتی جرأت ارائه اسناد قدیم خود را نداشته اند از تعقیب قضا یا دست کشیده اند. سواد طوماری از همین علی قلی خان، در دست است که نه تنها مؤید استمرار وقف بر سبیل ماضی است، بلکه نماینده لغو احکام نادری نیز هست و شایسته ثبت در تاریخ می نماید.^{۲۰}

طومار علیشاه در حقیقت به منزله دستورالعمل و برنامه سنواتی، یا به عبارت دیگر تقریباً لایحه بودجه آستان قدس می باشد که در آن موقوفات آنجا اعم از املاک مزروعی، مستغلات، طوابعین، باغات، یخچال ها، اراضی و غیره با مشخصات اکثر آنها از بیل حدود و تعداد ازواج زراعتی و میزان درآمد ذکر شده است. همچنین تشکیلات اداری و وظایف مستخدمین و مباشرین آستانه از وزیر و مستوفی و سرشته و غیره را ذکر کرده است و مصارف جاری آنجا را و حقوق یکایک به اسم و رسم معین و ساعات کار نیز معلوم و حتی از سفارش راجع به آراستگی لباس فرو گذار نشده است. مناسب بود طومار مذکور عیناً در این رساله نقل شود اما از آنجا که باعث ارائه اطلاعات تکراری و ذکر اسامی متعدد از افرادی می شد که هیچ مشخصه ای از آنها باقی نیست صلاح در آن دیده شد از درج تمام آن صرف نظر و فقط رؤس مطالب مهم و موضوعات آن به اختصار نگاشته شود.

1- تاریخ نگاشته شدن آن، ماه رمضان سال 1160 هجری قمری می باشد.

2- در قسمت اول طومار ضمن حمد خدا و نعت رسول اکرم و ائمه اطهار(ع)، مقدمه مشروح و

مفصلی مبنی بر سبب تحریر طومار و با انشاء معمول زمان نوشته شده است.^{۲۱}

3- بعد از بیان مقدمه می‌نویسد: به پاداش نعمت زیارت روضات ائمه دین و به ملاحظه اینکه

قبل از اوان جلوس سلطنت نذر شرعی شده بود که به وقت طلوع نیر اقبال در انتظام و انتساق امور سرکار فیض آثار همت گمارده شود. چون مشاهده شد اوضاع آستانه از هم ریخته و شیرازه آن گسیخته و در بین بزرگ و کوچک خدام تقدیم و تأخیر واقع گردیده و تمامی رقبات و مستغلات آن به ضبط دیوان درآمده و خدمه آن از اوج وسعت به ضیق معیشت افتاده و زائرین بی تمکین گشته لهذا ابتغاء لمرضات الله و ایفاء به نذر آنچه از رقبات و مستغلات و موقوفات آن سرکار به ضبط دیوان مقرر بود بالتمام به ضابطه ای که قبل از این معمول بوده به تصرف مباشرین امور آن سرکار داده و مقرر گردید مستوفیان دیوان اعلی از اصل مداخل وضع و من بعد مداخله نکنند.

4- مبنای خدمت کشیک را که قبل از آن بر هم زده بر سه کشیک قرار داده بودند تیمنا به عدد

پنج کشیک قرار داده و مقرر فرمودیم که خدمه و فراشان از اعظام سادات و افایم نجبا انتخاب، و وظیفه هر یک را قدری اضافه بر سابق بدهند.^{۲۲}

5- در متن طومار اسامی تمام رقبات موقوفه، اعم از املاک زراعتی و مستغلات و کاروانسراها و

آسیاب‌ها سایر وجوه، با تشخیص میزان درآمد آنها به مأخذ عملکرد ایام نادر شاه جزء به جزء نوشته شده است.

6- از آنجا که برخی درآمدهای آستان قدس در این چند سال کاهش یافته است موازی یک صد

زوج املاک مرغوب که از مال خاصه ارثی خود خریده بود و حاصل آن از قرار عملکرد پنجاه و پنج تومان و سه هزار و پانصد دینار نقد و یک هزار و چهارصدوسی خروار جنس و دو هزار و هشتصد و شصت خروار گاه می‌باشد به موجب وقف نامه جداگانه ضمیمه املاک موقوفه سابق به تصرف مباشرین سرکار موهبت مدار می‌نماید که محصولات آنها به علاوه سابق به مصارف آنجا برسد.

7- باید متولی هر روز به عتبه بوسی مشرف و تا ظهر در کشیک خانه به همراهی ناظر و

سرکشیک و خادم باشی و خدمه تمام وقت را صرف انتظام امور جزئی و کلی نماید. ضابطه نشستن در کشیک خانه را اینگونه تعیین کرده و تأکید کرده هیچ یک حق خلاف عمل کردن آن را ندارند:

یک سمت بخاری، متولی باشی، ناظر آستانه، سرکشیکان به مناسبت سن و کمال، کلیددار، و مهرداد، مدرسین، خادم باشیان، نایب الزیاره، خدام آستانه به مناسبت سن و کمال، صدر الحفاظ و حفاظ.

سمت دیگر بخاری، کلاتر ارض اقدس، پیشنماز و مدرس مسجد جامع دو نفر که افضل و اعلم هستند، وزیر و مستوفی سرکار، پیشنمازان مسجد جامع، خطیب، صاحب نسق، فراشان آستانه واعظان مسجد جامع.^{۳۳}

8- مباشرین سرکار فیض آثار باید اخراجات یسرکار را از طعام یومیه و روشنایی و غیره به موجبی که در ذیل قلمی شده به مصرف برسانند:

اول مصارف: مصرف روشنایی، مصرف طعام، آش فقراء، تنظیف، تعمیرات فرش و سایر مخارج.
دوم: حقوق: مواجب حفاظ، عود سوز، سایر عمال، خدمه پنج کشیک که هر کشیک عبارت است از سرکشیک، خادم باشی، مدرسین، فراش باشی، فراشان و دربانان.

در متن طومار تمام مخارج فوق جزء به جزء با تعیین مقدار اجناسی که باید مصرف شود و قیمت آنها و همچنین حقوق وظایف اشخاص به اسم و رسم و مبلغ نوشته شده است و تصریح شده که متصدیان باید تعمیر و شکسته ریخت عمارات و تنقیه و اجرای قنوات محال متعلقه را بر خود لازم شمرده همه اوقات محافظت احوال آنها را نموده باشند که جزئی، کلی نشود.

9- چون املاک وقفی متعلق به مسجد جامع را نیز به دستور املاک و رقبات آستانه ضبط و قلیل اخراجات آن را از مداخل مهمسازی می‌نموده و اختیار رتق و فتق آن در سنوات، بر عهده نظار علی حده که از دیوان تعیین می‌شدند بود، علیشاه افشار اختیار آن را به متولی آستان قدس سپرده که باید لازمه اهتمام در رونق سرکار مسجد جامع و پاکیزگی آن و رساندن وظیفه ارباب وظایف و سایر اخراجات آن که موافق تفصیل ذیل بر این موجب مقرر گردیده به عمل آورده، فرقی میان نظام و انتظام آن سرکار و سرکار آستانه مقدسه نگذارد. در ادامه دستوری برای مصارف مسجد و حقوق کارکنان و همچنین صورتی از موقوفات مسجد جامع گوهرشاد را ارائه نموده است.

10- چون از جمله انتظام امور سرکار یکی رونق دارالشفای مقدس است که همه ساله باید ادویه ضروری از مداخل سرکار خریداری و غذای مریضان نیز از بابت مداخل آنجا مهیا و به مصرف

بیماران و غربائی که خانه و مسکن نداشته باشند یا بالقوه از سرانجام غذا و دوا آسوده و راحت باشند در سال‌های قبل از قرار محاسبات آستانه تا سالی نود و چهار تومان اخراجات دارالشفاء و مواجب طبیب و جراح غیره منظور بوده است و چون خاطر بندگان اقدس ما مطلق به مراعات عجزه و مساکین بوده، مقرر فرمودیم که مبلغ مزبور را ضمیمه باقی مداخل موقوفات سرکار فیض آثار به مصارف سرکار مذکور برسانند و اخراجات دارالشفای مبارک را مقرر فرمودیم که هر ساله از بابت یک صد زوج املاک خالصه قدیم، که در این وقت وقف سرکار فیض آثار نمودیم، عمال آستانه موافق دستور ذیل به مصارف برسانند:

الف- حقوق طبیب و جراح و بیماردار و مرهم چهل تومان و پانصد دینار نقد و شش هزار نود و پنج من جنس.

ب- مخارج بیماران از اغذیه و ادویه و معاجین^{۲۴} و غیره دویست تومان نقد.

10- دو نفر نایب الزیاره به اسامی «میرزا ابو محمد و حاجی مهدی» با دریافت حقوقی که از موقوفه مخصوص مشخص گردیده، در هر کشیک حاضر بوده بعد از طی فراغ از نیابت زیارت به اتفاق سرکشیک و خادم باشیان از طرف بندگان اقدس متوجه خدمت باشند.

12- متولی بداند خدمات افراد از قرار سانی که علیشاه از آنها داشته و ملاحظه شایستگی و لیاقت ظاهری آنها را دیده، به آنها واگذار گردیده است و باید هر وقت فردی از آنها مرحوم شد خدمت او را به فرزند یا یکی از نزدیکان او که از سایرین اصلح تر می‌باشد واگذار گردد و به نوعی خدمت موروثی را تأیید و تحکیم نموده است.

13- بیگلر بیگی و کارگزاران خراسان مشهد در حین ورود قشون ممانعت نموده نگذارند به علت آمدن سپاه احدی متعرض منازل و محل سکونت منسوبین به آستان قدس شود و آنها را از عوارض معاف دانسته و مزاحم آنها نشوند.

14- در باب نظم بست‌های ورودی به حرم مطهر ایشیک آقاسی باشی باید مراقبت کامل نماید. و هر گاه افراد عاصی و خاطی حرم به حرم مطهر پناه آوردند و در بست متحصن شدند (بست نشینی) کسی حق تعرض به آنها را در آن مکان ندارد. و اگر فردی مرتکب جرمی سنگین شده بود و به آنجا پناه آورد باید به دربار و حکومت مکرزی اعلام شود و آنها در این مود تصمیم گیری نمایند. فقط

در مورد قاتلان باید او را در صحن حرم مطهر حبس نمایند و هر روزه پنج استار نان و پنج استار آب به او داده تا در سختی افتاده و خود راضی شود از بست نشینی بیرون آمده و او را به حاکم و عمال او سپارند تا به جرم او رسیدگی نمایند.^{۲۵}

در پایان طومار تأکید شده «عالیجاه متولی ضابطه امر را حسب الواقع مضبوط و قدغن نماید که تمامی چوب بست ها را مستحکم و زنجیرهایی که در قدیم معمول بوده آویخته، لازمه اهتمام را در این باب مرعی دارند».^{۲۶}

جمع درآمدهای طومار علیشاهی دو هزار و هفتصد و نود و پنج تومان و دو قران نقد و مبلغ یازده هزار و ششصد و شصت و شش خروار جنس برآورد شده است که همه به خط سیاق نگاشته شده است.^{۲۷}

لازم به ذکر است که با اقدامات علیشاه افشار از سال 1160 تا 1210 هجری قمری که آقا محمد خان به مشهد آمد و آنجا را فتح نمود بیش از بیست مورد وقف برای آستان قدس انجام گردید.^{۲۸} در حالیکه در دوران حکومت نادر حتی یک نفر حاضر نگردید ملکی را وقف آستان قدس رضوی نماید و این نشان دهنده آن است که اقدامات علیشاه افشار در جذب و جلب اعتماد واقفان بسیار مؤثر و مفید واقع شده است.

پایگاه اجتماعی واقفان املاک آستان قدس رضوی در دوره افشاریه

وقف به عنوان یک عمل خیر در بین تمامی مسلمانان، جایگاه ویژه ای دارد، چرا که دارای آثار و نتایج ماندگارتری در مقایسه با دیگر کارهای خیر خواهانه است. تعداد زیادی از اوقاف مربوط به اماکن مذهبی از قبیل مساجد، مدارس علمیه، امامزاده ها و زیارتگاه ها می باشد. در ایران در بین این اماکن مذهبی، مرقد مطهر امام رضا (ع) جایگاه خاص خود را دارد و کانون توجه تمام شیعیان است. به این سبب آستان قدس رضوی نسبت زیادی از موقوفات را به خود اختصاص داده، زیرا شایسته ترین مکانی است که شیعیان می توانند وظیفه دینی شان را نسبت به نیازهای جامعه ادا کنند. برای همین، آنان تمامی یا قسمتی از املاک و دارایی‌های خویش را وقف آن حضرت کرده و می کنند. معمولاً واقفان در جریان وقف املاک و اموال خود، نیات و مقاصد شان را از این عمل، تعیین متولی موقوفات و مصارف وقف و شرایط آن را در وقف نامه می نگارند.

از آنجا که وقف نامه از جمله اسنادی هستند که تحت تاثیر پدیده‌های اجتماعی قرار گرفته اند، در حد خود می‌توانند گویای شرایط و اوضاع اجتماعی خاصی باشند که در آن به وجود آمده اند، لذا به عنوان سند ومدیرک اجتماعی می‌توان مورد بررسی قرار گیرند.

در این قسمت ابتدا نام واقفان و طبقه اجتماعی آن‌ها با توجه به متن وقف نامه‌های آستان قدس^{۲۹} و شواهد موجود استخراج گردیده و سپس در هر دوره، اسامی واقفان بر حسب طبقه اجتماعی آن‌ها تقسیم بندی شده است.

واقفان به طبقات ذیل تقسیم می‌شوند.

1- شاهان و شاهزادگان،

2- حاکمان، والیان و رجال سیاسی که عهده دار منصب دولتی و سیاسی بودند

3- کارگزاران آستان قدس شامل متولی، ناظر، خادم و غیره

4- طبقه اعیان و اشراف جامعه

5- علما و معتمدان منطقه،

6- اصناف مختلف اجتماعی

دوره ی افشاریه با توجه به تاریخ نخستین وقف نامه ها ی موجود از نادر در زمان نیابت سلطنت او بر ایران و اینکه در عمل هم قدرت مطلقه و اصلی در ایران خود مشارالیه به حساب مب آمد را از سال 1145ق. در نظر گرفتیم و انتهای آن تا سال 1210ق. یعنی زمان آمدن آقا محمد خان قاجار به مشهد و اسیر کردن شاهرخ می‌باشد.

طبقات مختلف و پایگاه اجتماعی واقفان دوره افشاریه

ردیف	نام واقف	طبقه اجتماعی	تاریخ وقف نامه
1	نادر قلی خان (نادر شاه)	شاه ایران	1145 ق.
2	میرزا محمد علی شهر بابکی	اشراف	1147 ق.
3	علی شاه افشار	شاهزاده	1160 ق.
4	مرتضی قلی بیگ افشار	شاهزاده	1160 ق.
5	امام قلی بیگا	رجال سیاسی	1161 ق.
6	محمد جعفر بیگ	اصناف	1165 ق.
7	جهان بیگم خانم	شاهزاده	1167 ق.
8	محمد حسن	اصناف	1167 ق.
9	خلیل خان	اصناف	1167 ق.
10	حاجی عبد الله	اصناف	1168 ق.
11	معمد السلطان آقا میرزا عبدالله خان مستوفی	اشراف	1168 ق.
12	علی حسن شریف	اصناف	1169 ق.
13	جعفر خان بیگ	والی	1172 ق.
14	محمد سعید خوافی	اصناف	1174 ق.
15	محمد حسین خان لگری	رجال سیاسی	1176 ق.
16	محمد اشرف بیگ چولع ایل بیگی	والی	1176 ق.
17	میر علی محمد مایانی	اشراف	1181 ق.
18	محمد حسین بیگ قرقلو	رجال سیاسی	1187 ق.
19	خواجه محمد هاشم	اشراف	1191 ق.
20	میرزا ابوالقاسم حسینی	علما	1192 ق.
21	میرزا ابو طالب حسینی	متولی باشی	1192 ق.

تعداد واقفان در دوره افشار

اصناف مختلف	علماء و معتمدان	طبقه اعیان و اشراف	کارگزاران آستان قدس	حاکمان و والیان و رجال سیاسی	شاهان و شاهزادگان
6 نفر	1 نفر	4 نفر	1 نفر	5 نفر	4 نفر

درصد واقفان در دوره افشار نسبت به واقفان دوره صفویه و قاجاریه

صفوف و عموم مردم	علماء و معتمدان	طبقه اشراف	کارگزاران آستان قدس	حاکمان و والیان	شاهان و شاهزادگان
2٪/8	0٪/47	1٪/5	0٪/47	2٪/3	1٪/4

در دوره افشاریه به علت سیاست‌های نادر شاه در حوزه وقف، بی‌ثباتی سیاسی و اقتصادی و کوتاه بودن این دوره نسبت به دوره‌های قبل و بعد باعث کاهش تعداد واقفان گردید.

از جمله واقفانی که در دوره افشاریه می‌توان به آن اشاره کرد محمد حسین خان لگزی است که حجرات و دکاکین را در مشهد، وقف بر آستان قدس رضوی نمود.^{۳۰}

بسیاری از علما به خاطر سیاست‌های نادرست نادر، نامی واضح و روشن از خود در این دوره به جای نگذاشتند. همچنین مرتضی قلی بیگ افشاریکی از والیان دوره افشار بود که در سال 1160 ق. در میان ولایت مشهد، باغو معروف به کلاته مؤذنان را وقف روضه رضویه نمود و مقرر داشت درآمد آن را خرج مؤذنان آستان قدس کند.^{۳۱}

نتیجه گیری

در مجموع می‌توان نتیجه گرفت در زمان نادر شاه افشار به دلیل ضبط موقوفات دیگر کسی مایل نبود موقوفه ای را برای آستان قدس رضوی در نظر بگیرد زیرا می‌دانست مصارفی که مد نظر او می‌باشد به طور کامل به انجام نمی‌رسد و درآمدهای حاصل از آن به جای آنکه صرف حرم مطهر امام رضا(ع) گردد به مصارف حکومتی و دولتی می‌رسد. رونق مجدد وقف از دوره علیشاه افشار به بعد بود و اقدامات او باعث گردید در یک دوره کوتاه پنجاه ساله به موقوفات آستان قدس افزوده گردد و شاید اگر کریم خان زند در این دوره به عنوان شاه اصلی ایران توجه بیشتری به شهر مشهد و به ویژه انجام اصلاحات و نظارت بر امور آستان قدس می‌کرد، مردم سایر نقاط ایران هم به تبعیت او در امور وقف و اهداء فعالیت بیشتری از خود نشان می‌دادند. در دوران شاهرخ افشار نوه نادر به علت آنکه وی ناتوان بود و بینایی خود را از دست داده بود آنچنان که باید نمی‌توانست امور مهم را اداره نماید با این وجود واقفانی در این دوره بودند که املاک و اراضی خود را وقف می‌کردند اما مانند این کار رونق دوران صفویان را نداشت.

یادداشت‌ها:

- 1- سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره اموالی 33380/2.
- 2- همان، سند شماره اموالی 35617.
- 3- همان، سند شماره اموالی 35660 و 37109.
- 4- همان، سند شماره اموالی 62411.
- 5- همان، سند شماره اموالی 35185.
- 6- همان، سند شماره اموالی 35170.
- 7- طومار علیشاهی، بازخوانی و تصحیح مرکز خراسان شناسی، 1380، ص 15.
- 8- فاطمی مقدم، زهرا، سیاست‌های وقفی عصر نادر و موقوفات آستان قدس رضوی، پژوهشنامه مطالعات اسنادی و آرشیوی، سال اول، شماره 1، زمستان 1391، ص 47.
- 9- سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره اموالی 32091/31.
- 10- همان، سند شماره اموالی 35185/2.
- 11- حسن آبادی، ابوالفضل، «متولیان آستان قدس از دوره صفویه تا افشاریه»، دفتر اسناد، مشهد: کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، 1385، ج 2 و 3، ص 79.
- 12- سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی، سند شماره اموالی 28594.
- 13- همان، سند شماره اموالی 42298.
- 14- مستوفی، میرزا محسن، زبده التواریخ، به کوشش بهروز گودرزی، تهران: بنیاد موقوفات افشار، 1375، ص 118 و 119.
- 15- مرعشی، مجمع التواریخ (در انقراض صفویه و وقایع بعد از سال 1200 هـ.ق.)، به اهتمام عباس اقبال آشتیانی، تهران: طهوری، 1362، ص 241.
- 16- شعبانی، رضا، تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریه، تهران: چاپ خوشه، 1365، ج 1، ص 380.
- 17- همان، صص 380 و 381.
- 18- شعبانی، همان، ج 1، ص 134.
- 19- همان، ص 147.
- 20- همان، ص 381.
- 21- این کار در تمام اسناد مهم مانند احکام و فرامین، وقف نامه‌ها و طومارهای مهم رایج بود.
- 22- در تشکیلات اداری آستان قدس برای جذب و استخدام همیشه سادات بر غیر سادات مقدم بودند.
- 23- علیشاه افشار مانند عمومی خود نادر تشکیلات حرم مطهر و مسجد جامع گوهرشاد را در هم ادغام نمود. در دوره قاجاریه بود که آنها مجدد از هم جدا شدند.
- 24- مراد معجون‌های طبی است.

- 25- برای اطلاعات بیشتر مراجعه شود به مقاله بست و بست نشینی در حرم مطهر نوشته محمد حبیبی، دفتر اسناد، ج 2 و 3.
- 26- طومار علیشاهی، به اهتمام مرکز خراسان شناسی، این خلاصه ای از تمام صفحات طومار بود.
- 27- همان.
- 28- برای اطلاعات بیشتر رجوع شود به، مستوفی همدانی، اسماعیل، آثار الرضویه، بی جا: بی نا، 1317 قمری و فهرست موقوفات آستان قدس رضوی.
- 29- کتابچه موقوفات آستان قدس رضوی، نسخه خطی شماره 8557 و آثار الرضویه.
- 30- آثار الرضویه، ص 78.
- 31- همان، ص 88.